

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

شفاعت از منظر حکمت متعالیه و ابن تیمیه

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا قائمی نیا

نگارش و پژوهش:

فاطمه راستی کردار

۱۳۸۷

۹۸۳۲۱

تقديم به:

تقديم به محضر شفيح دو عالم حضرت فاطمه زهراء (عليها السلام)

وكريمه اهل بيت فاطمه معصومه (عليها السلام)

يا فاطمه اشفعي لنا في الجنه.

تقدیر و تشکر

از زحمات بی دریغ اساتید فرهیخته و ارجمند جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر موسوی و جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر قائمی‌نیا، که در تدوین این اثر مرا از رهنمودهای خویش بهره‌مند ساختند، تشکر و قدردانی نموده و توفیق روزافزون ایشان را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

همچنین از زحمات پدر و مادر عزیزم و همسر مهربانم که با همراهی و همدلی خویش مرا در انجام این پژوهش یاری رساندند، تشکر می‌نمایم.

چکیده

مسأله شفاعت یکی از مباحث مهم و جنجال برانگیز در کلام اسلامی و مبحث معاد است که همواره ذهن متکلمان و اندیشمندان دینی را به خود مشغول ساخته است. این موضوع از آن نظر مهم و در خور توجه است که از سویی با مسأله توحید و از سویی دیگر با عدل الهی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد.

عده‌ای به دلیل عدم فهم درست و یا مغرضانه اشکالاتی را در مورد اصل شفاعت مطرح نموده‌اند و عده‌ای دیگر چون ابن تیمیه حرانی دمشقی که وهابیت بیشترین تأثیر را از او گرفته است، هر چند از اساس منکر شفاعت نیست و خود به صورت خاصی از شفاعت معتقد است؛ اما طلب شفاعت از اولیای الهی را شرک می‌داند. او معتقد است که شفاعت حق مختص خداست و طلب شفاعت، عبادت است و به همین دلیل کسانی که از پیامبر (ﷺ) و ائمه (ع) طلب شفاعت می‌کنند مشرک هستند.

از طرف دیگر صدرالمتألهین شیرازی بر اساس اصول و مبانی فلسفی به اثبات عقلی شفاعت همت گمارده است. در حکمت متعالیه ملاصدرا، اصل تشکیک، قاعده امکان اشرف و تقدم و تأخر که به تشکیک باز می‌گردد نقش رکن اثبات عقلی شفاعت را ایفا می‌کنند. در هر حال محور اصلی نوشتار، پی‌گیری این مسأله است که آیا اساساً می‌توان شبهات شفاعت را بر پایه ملاحظات عقلی و اصول و قواعد فلسفی پاسخ گفت و علاوه بر نقل، از مبانی عقلی مدد جست؟

ما در این پژوهش سعی نمودیم که با درک حقیقت شفاعت، ثابت کنیم که این موضوع با توحید منافاتی ندارد و طلب شفاعت از اولیای الهی بر اساس ادله عقلی و نقلی درست است و از طرف دیگر، هدفمان این بوده که با کاربردی نمودن آموخته‌های فلسفی و مرتبط ساختن آن با آموزه‌های کلامی و مبانی عقیدتی، به رفع شبهاتی که در مورد شفاعت مطرح گردیده، بپردازیم.

واژگان کلیدی: شفاعت، شفاعت تکوینی و تشریحی، شرایط شفاعت، توحید، عقل، نقل و حکمت متعالیه.

فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق
۱	۱ - بیان مسأله:
۲	۲ - اهمیت موضوع:
۳	۳ - سابقه پژوهش:
۴	۴ - سؤال اصلی پژوهش:
۵	۵ - سئوالات فرعی پژوهش:
۶	۶ - پیش فرضهای پژوهش:
۷	۷ - فرضیه های پژوهش:
۸	۸ - اهداف پژوهش:
۸	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۹	مقدمه
۱۰	۱ - ۱. تعریف شفاعت:
۱۰	۱ - ۱ - ۱. معنای لغوی:
۱۱	۱ - ۱ - ۲. تعریف شفاعت در اصطلاح:
۱۲	۱ - ۲. اقسام شفاعت:
۱۲	۱ - ۲ - ۱. شفاعت تکوینی:
۱۶	۱ - ۲ - ۲. شفاعت تشریحی و اقسام آن:

- ۱۷-۲-۲-۱. شفاعت مؤثر در دنیا:..... ۱۷
- ۱- توبه:..... ۱۷
- ۲- ایمان به رسول خدا (ﷺ):..... ۱۸
- ۳- عمل صالح:..... ۱۸
- ۴- قرآن کریم:..... ۱۹
- ۵- ملائکه:..... ۲۰
- ۶- دعای پیامبران الهی:..... ۲۱
- ۷- دعای مومنین:..... ۲۱
- ۸- هر آن چه با عمل صالح مرتبط است:..... ۲۲
- ۱- ۲-۲-۲. شفاعت اخروی:..... ۲۲
- ۳- شفاعت در آیات و روایات:..... ۲۹
- ۱- ۳-۱. آیات نافی شفاعت:..... ۲۹
- ۲- ۳-۱. آیات مثبت شفاعت:..... ۳۷
- ۳- ۳-۱. شفاعت در روایات:..... ۴۷
- الف) شفاعت کبری:..... ۴۷
- ب) شفاعت صغری:..... ۴۷
- ۱- ۴. چگونگی تأثیر شفاعت:..... ۵۹
- ۱- ۵. شرط تأثیر شفاعت:..... ۶۸
- فصل دوم: شفاعت از دیدگاه ابن تیمیه**..... ۸۰
- ۲- ۱. تقریر دیدگاه ابن تیمیه:..... ۸۵
- ۲- ۲. دلایل ابن تیمیه بر نفی شفاعت:..... ۹۶
- ۲- ۲- ۱. درخواست شفاعت شرک است:..... ۹۶
- ۲- ۲- ۲. شرک مشرکان به خاطر طلب شفاعت از بتها بود:..... ۹۷
- ۲- ۲- ۳. درخواست حاجت از غیر خدا حرام است:..... ۹۸

۱۰۰	۲ - ۲ - ۴. درخواست شفاعت از مردگان لغو است:
۱۰۲	۲ - ۳. بررسی دلایل و پاسخ به آن:
۱۳۵	فصل سوم: شفاعت از منظر حکمت متعالیه
۱۴۰	۳-۱- تقریر دیدگاه
۱۶۶	۳-۲- دلیل عقلی بر شفاعت
۱۷۴	۳-۳- شبهات مربوط به اصل شفاعت و نقد آن
۱۸۹	فصل چهارم: مقایسه تطبیقی دو دیدگاه
۱۹۰	۴ - ۱. تفاوت در روش بیان عقاید
۱۹۱	۴ - ۱ - ۱. در مراتب توحید
۱۹۵	۱ - توحید در ذات (واحدیت) و احدیت:
۱۹۶	۲ - توحید و یگانگی حق تعالی در الوهیت:
۱۹۶	۴ - ۱ - ۲. در مسأله شفاعت
۱۹۹	۴ - ۲. تفاوت نگرش راجع به مسأله تأویل قرآن و تأثیر آن بر روی تفسیر
۲۰۱	۴ - ۳. تفاوت در گرایش تفسیری
۲۰۲	۴ - ۴. تفاوت در مبانی و روشهای تفسیری
۲۰۵	۴ - ۵. نظر ابن تیمیه راجع به فلاسفه
۲۰۶	۴ - ۶. نظر ابن تیمیه در مورد خاندان رسالت
۲۰۸	نتیجه گیری
۲۱۱	فهرست منابع
۲۱۲	الف) منابع فارسی
۲۱۵	ب) منابع عربی:
۲۲۰	ج) مقاله:

مقدمه:

طرح تحقیق

۱ - بیان مسأله:

مسأله شفاعت یکی از مباحث مهم و جنجال برانگیز در کلام اسلامی و مبحث معاد است که همواره ذهن متکلمان و اندیشمندان دینی را به خود مشغول ساخته است. این موضوع از آن نظر مهم و در خور توجه است که از سویی با مسأله توحید و از سوی دیگر با عدل الهی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد. این مسأله نیز مانند برخی دیگر از معارف بلند اسلامی با برخی پیرایه‌های غلط همراه شده است. عده‌ای به دلیل عدم فهم درست و یا مغرضانه اشکالاتی را در مورد اصل شفاعت مطرح نموده‌اند و عده‌ای دیگر چون این تیمیه حرانی دمشقی که وهابیت بیشترین تأثیر را از او گرفته است، هر چند از اساس منکر شفاعت نیست و خود به صورت خاصی از شفاعت معتقد است؛ اما طلب شفاعت از اولیای الهی را پس از فوتشان شرک می‌داند. بنابراین پاره‌ای از مسائل مهم و عمده که پیرامون شفاعت مطرح است بدین شرح می‌باشد: شفاعت چیست، اقسام آن کدام است؟ و چگونه با توحید سازگار می‌باشد؟ آیا شفاعت مستلزم تغییر اراده و علم الهی است؟ آیا شفاعت موجب تجربی مردم بر ارتکاب معاصی می‌شود؟ و آیا تبعیض میان مجرم‌ها، تبعیض ناروایی نیست؟ و مسائل فراوان دیگری که انسان را به تأمل وادارند. ما در این پژوهش، در حد وسع و توانایی خویش سعی می‌کنیم به بررسی این مسائل پرداخته و به جمع آیات و روایات ظاهراً متناقض بپردازیم و با نگاهی دقیق‌تر، مسأله شفاعت و حقیقت آن را بر اساس ادله نقلی و همچنین اصول و مبانی فلسفی موجود در حکمت متعالیه بررسی نمائیم.

۲ - اهمیت موضوع:

اهمیت و لزوم بحث در مورد شفاعت به آثار تربیتی فراوان و سازندگی آن باز می‌گردد و برداشت‌های نادرست از شفاعت که بعضی گرفتار آنند، دلیل دیگری است که تبیین درست شفاعت را می‌طلبد تا مانع هر گونه برداشت سوء از این آموزه دینی شود. در حقیقت اعتقاد به شفاعت پدید آورنده امید در دل گنهکاران و مایه بازگشت آنان در نیمه زندگی به سوی خداوند است اگر حقیقت شفاعت درست مورد بررسی قرار گیرد، ملاحظه می‌گردد که اعتقاد به شفاعت اولیاء خدا نه تنها موجب جرأت و سرسختی بر انجام معصیت نخواهد شد، بلکه سبب می‌شود که فرد گناهکار دریابد که بعد از این نیز می‌تواند سرنوشت خود را دگرگون سازد و اعمال گذشته‌اش به گونه‌ای نیست که برای او یک سرنوشت شوم قطعی و غیرقابل تغییر ساخته باشد، بلکه او به کمک اولیاء الهی و تصمیم راسخ خود بر اطاعت و فرمانبرداری از خداوند می‌تواند درهای سعادت را به روی خود باز کند.^۱ بنابراین سعی می‌کند تا اولیاء خدا را بشناسد و رابطه‌ای معنوی با آنان ایجاد کند و از فرموده‌ها و دستوراتشان پیروی نماید تا آنان نیز به واسطه تقریبشان به خداوند، او را شفاعت کنند.

ضرورت وجود امید در حیات انسانی و اثر سازنده آن در زندگی فردی و اجتماعی آن چنان روشن است که به هیچ استدلالی نیاز ندارد.

علاوه بر آن چه بیان گردید چون در عصر حاضر وهابی‌ها، به پیروی از عقاید ابن تیمیه، با فعالیتی گسترده به طرح شبهات فراوانی راجع به شفاعت دست زده‌اند، پژوهش در این زمینه ضرورت می‌یابد و تحلیلی درست از شفاعت می‌تواند ضمن زدودن ابهامات و شبهات، انسان را در مسیر تکامل روحی و معنوی قرار دهد.

۳ - سابقه پژوهش:

شفاعت با آن که ریشه در عقاید دینی دارد ولی در میان اقوام و ملت‌هایی که حتی به

۱. جعفر سبحانی، شفاعت در قلمرو عقل، قرآن و حدیث، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴، ص ۱۲.

هیچ یک از ادیان آسمانی هم ایمان نداشته‌اند؛ وجود داشته است. البته این تفکر در میان آنان بیشتر جنبه اخلاقی داشته و بر گرفته از اعتقاد به جهان دیگر و تأثیر آن بر روند زندگی این جهانی بوده است.^۱

یهودیان و مسیحیان نیز به شفاعت اعتقاد داشتند، البته قوم یهود به شفاعتی بی‌قید و شرط معتقد بودند، از نظر آنها تنها انتساب به پیامبر موجب می‌شود آن پیامبر درباره اقوام و خویشان خود شفاعت کند. این پندار یهودیان مبتنی بر آن بود که خود را امتی برگزیده و ممتاز دانسته و لذا معتقد بودند تنها یهودیان به بهشت وارد می‌شوند و آتش هم تنها ایام معدودی آنها را عذاب می‌کند. البته قوم یهود تنها درباره یهودیان چنین نظری داشتند و در مقابل، مسیحیان نیز خود را پسران و دوستان خدا می‌دانستند. از سوی دیگر نژادپرستی اهل کتاب مانع از آن بود که دیگران را نیز جزء نجات یافتگان بدانند.

علاوه بر آنان، این اعتقاد در میان بت‌پرستان پیش از بعثت رسول اکرم (ﷺ) نیز مطرح بوده است. بت‌پرستان معتقد بودند که زندگی آخرت نوعی حیات دنیوی است که قانون اسباب و مسببات مادی و طبیعی در آن حاکم است. آنها فداء یا بدلی را برای جرائم خود تهیه کرده و انواع قربانی‌ها و هدایا را به خدایان خود تقدیم می‌نمودند تا از گناهان آنان صرف نظر کنند، نیازهای آنان را برآورده سازند و یا آنها را وسیله شفاعت خود قرار می‌دادند.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم با طرز تفکر نژاد پرستانه یهود و مسیحیت و عقاید خرافی بت‌پرستان به مبارزه پرداخته و نگرش و عقاید آنان را نقد می‌کند؛ ولی در عین حال اصل شفاعت را می‌پذیرد و در آیات متعددی درباره شفاعت و معانی مختلف آن سخن گفته است. در برخی آیات شفاعت را در انحصار خود قرار می‌دهد و در آیات دیگری از این که انسان‌هایی

۱. دایره المعارف الشیع، زیر نظر احمد صدر، حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران فانی، ج ۱۰، تهران، نشر

شهید سعید محبی، ۱۳۸۳، ص ۶۰.

۲. محمد حسین، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ اول، بیروت، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات،

۱۴۱۷ هـ، ص ۱۵۵.

برگزیده نیز می‌توانند شفیع شوند سخن به میان آورده است؛ بنابراین معلوم می‌شود که این مساله در میان مسلمانان صدر اسلام و صحابه پیامبر (ﷺ) نیز مطرح بوده است. نبی مکرم اسلام (ﷺ) اولین کسی بود که در عصر ظهور اسلام و در زمان حیاتش در مورد شفاعت سخن گفت و باعث توجه بیشتر مسلمانان به این موضوع گردید و پس از ایشان، ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز راجع به شفاعت سخن‌ها گفته‌اند که هم اکنون نیز در کتب روایی، اخبار فراوانی در این زمینه یافت می‌شود.

نکته قابل توجه این است که اصطلاح شفاعت در روند تاریخی آن دارای دو معنای مختلف بوده، یکی همین برداشتی است که امروزه از آن می‌شود یعنی شفاعت حق که به اذن الهی بوده و تحت شرایط و ضوابط خاصی محقق می‌گردد. و معنای دیگر برداشتی است که بیشتر پیش از اسلام به کار می‌رفته که به شفاعتی بی‌قید و شرط معتقد بودند و شفیع را مستقل در تأثیرگذاری می‌دانستند. متأسفانه امروزه نیز شبیه آن عقاید خرافی بین بعضی از افراد به چشم می‌خورد.

و اگر می‌بینیم در برخی از آیات و روایات شفاعت نفی شده است، مراد همان شفاعت باطل می‌باشد که ما در جای خود بدان می‌پردازیم.

با بررسی متونی که در مورد شفاعت به نگارش درآمده، تقریباً می‌توان چنین نتیجه گرفت که دیدگاه علمای متقدم شیعه این بوده است که در ضمن اعتقاد به اصل شفاعت، شرایطی نیز برای آن قائل بودند. هیچ کدام از دانشمندان اسلامی، درخواست شفاعت از شافعان راستین را (در حال حیات و یا پس از مرگ) مخالف با هیچ یک از مبانی و اصول اسلامی نمی‌دانستند و این تفکر همچنان ادامه داشت تا این که در اواخر قرن هفتم هجری ابن تیمیه با طرز تفکر خاصی با این مسأله و بسیاری از سنن و روش‌های مستمر میان مسلمانان مخالفت کرد و پس از وی محمدبن عبدالوهاب نجدی مجدداً پرچم مخالفت را برافراشت و مکتب ابن تیمیه را به گونه‌ای شدید از نو زنده کرد.^۱

۱. جعفر سبحانی، آیین وهابیت، قم، دفتر نشرات اسلامی، ص ۲۵۹.

در این میان اندیشمندان اسلامی و علما به پاسخگویی شبهات آنان پرداختند. تا این که در قرن یازدهم صدرالمآلهین شیرازی بر اساس اصول و مبانی فلسفی به اثبات عقلی شفاعت همت گمارد.

در میان آثاری که درباره شفاعت از آغاز تاکنون به رشته تحریر درآمده در بین متقدمین، خصوصاً در دوره‌های اولیه، کتاب مستقلی نمی‌توان یافت که در این باره سخن گفته باشد. البته در لا به لای کتب تفسیری، روایی و کلامی اعتقادی شیعه مانند بحارالانوار، اصول کافی، کشف المراد و ...، به تفصیل در این زمینه بحث شده است. اما بعدها کتاب‌هایی به طور مستقل درباره شفاعت نگاشته شد.

چهار کتاب که به طور مستقیم به مسأله شفاعت پرداخته‌اند عبارتند از:

۱- شفاعت، حسن طاهری خرم‌آبادی.

۲- تجسم عمل و شفاعت، محمد شجاعی.

۳- شفاعت در قلمرو عقل، قرآن و حدیث، جعفر سبحانی.

۴- انکار الشفاعه، محمد متوالی شعراوی.

یک مقاله نیز تحت عنوان «شفاعت ضابطه‌مند از نظر صدرائیان» از فاطمه صادق‌زاده

قمصری در مجله مشکاه النور مشاهده گردید.

اما هیچ منبعی در زمینه تطبیق نظر ملاصدرا (حکمت متعالیه) و ابن تیمیه در مورد

شفاعت یافت نشد.

۴- سؤال اصلی پژوهش:

شفاعت چیست و چگونه با توحید سازگار است؟

توجیه عقلانی شفاعت چیست؟

۵- سئوالات فرعی پژوهش:

۱- آیا آیات و روایات ظاهراً متناقض در مورد شفاعت قابل جمع‌اند؟

۲- شرط تأثیر شفاعت چیست؟

۳- آیا تبعیض میان مجرم‌ها، تبعیض ناروایی نیست؟

۴- آیا اعتقاد به شفاعت موجب تجری مردم بر ارتکاب گناه می‌شود؟

۵- آیا شفاعت موجب دگرگونی در علم و اراده خداوند است؟

۶- پیش فرض‌های پژوهش:

آن چه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، تبیین حقیقت شفاعت بر اساس اصول و مبانی عقلی و نقلی می‌باشد و این امر مستلزم پذیرفتن پیش فرض‌های زیر است:

۱- اصل توحید.

۲- حجیت آیات قرآن.

۳- حجیت روایات.

۴- حجیت عقل.

اصول و قواعد فلسفی مورد استفاده در پژوهش: اصل تشکیک، تقدم و تأخر و امکان اشرف می‌باشد که در کتب فلسفی به اثبات رسیده است.

۷- فرضیه‌های پژوهش:

۱- شفاعت با توحید منافاتی ندارد.

۲- درست بودن طلب شفاعت از اولیای الهی بر اساس ادله عقلی و نقلی.

۳- تأثیرگذاری شفاعت بر اساس اصول و قواعد فلسفی.

۸- اهداف پژوهش:

۱- اهداف علمی پژوهش: درک حقیقت شفاعت و شرط و چگونگی تأثیر آن.

۲- اهداف کاربردی: رفع شبهاتی که در مورد شفاعت مطرح شده بجه خصوص از جانب ابن تیمیه که وهابیت بیشترین تأثیر خود را از وی گرفته است و غفلت‌زدایی از اذهان کسانی که زمینه پژوهش بر ایشان فراهم نیست.

۳- ضرورت خاص انجام پژوهش: فوائد تربیتی فراوانی که در اعتقاد به شفاعت وجود دارد و کاربردی نمودن آموخته‌های فلسفی و مرتبط ساختن آن با آموزه‌های کلامی و مبانی عقیدتی.

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

مقدمه

تعریف شاعرت

اقسام شاعرت

شاعرت در آیات و روایات

چگونگی تاثیر شاعرت

شرط تاثیر شاعرت

مقدمه

خداوند متعال و بی‌نیاز از روی لطف و کرم خویش، رحمت گسترده و مغفرت و آمرزشش را از طریق افرادی که به عنوان واسطه فیض به شمار می‌آیند به انسان‌ها می‌رساند. یکی از مصادیق این رحمت الهی شفاعت است.

مسئله شفاعت یکی از مباحث مهم و جنجال برانگیز در کلام اسلامی و مبحث معاد است که همواره ذهن متکلمان و اندیشمندان دینی را به خود مشغول ساخته است. این موضوع از آن نظر مهم و در خور توجه است که از سویی با مسئله توحید و از سوی دیگر با عدل الهی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد.

این مسئله در کتب کلامی و روایی مطرح گردیده و از زوایای مختلف بررسی شده است که هر یک از آنها به نوبه خود در خور تحسین می‌باشد، اما پیچیدگی مسئله شفاعت و بروز شبهات روزافزون (بخصوص شبهاتی که از سوی وهابیت به پیروی از عقاید ابن تیمیه مطرح می‌گردد) و پرسش‌های متعددی که در این زمینه وجود دارد، ما را بر آن داشت تا به گونه‌ای مستقل و روشمند و بر اساس ادله نقلی و عقلی که در این مورد مطرح شده به بررسی آن پردازیم.

اگر چه آثار نسبتاً زیادی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به این مساله پرداخته‌اند، اما ما تلاش نمودیم تا در کنار دلایل نقلی موجود در آیات قرآن کریم و روایات، به تبیین ادله عقلی این مساله بر اساس اصول و مبانی فلسفی موجود در حکمت متعالیه پردازیم و به نظر می‌رسد این نحوه پژوهش، روشی جدید در این زمینه می‌باشد که در هیچ یک از کتب و

مقالاتی که تاکنون به این موضوع پرداخته‌اند، به چشم نمی‌خورد.

آن چه به طور قطع بر اساس دلایل فوق می‌توان گفت این است که شفاعت با توحید منافاتی ندارد و طلب شفاعت از اولیای الهی بر اساس ادله عقلی و نقلی درست است و چگونگی تأثیر شفاعت را می‌توان بر اساس اصول و قواعد فلسفی تبیین کرد.

از خداوند متعال خواستارم که به واسطه اولیای مقربش دست رحمت به سویم بگشاید و مرا به راه حق و حقیقت رهنمون گرداند.

۱ - ۱. تعریف شفاعت:

۱ - ۱ - ۱. معنای لغوی:

شفاعت در لغت از ماده «شفع» به معنای جفت و زوج گرفته شده است که در مقابل «وتر» به معنای فرد است.^۱

علت این که به وساطت شخص برای نجات گنہکار، شفاعت گفته می‌شود این است که مقام و موقعیت شفاعت کننده و نیروی تأثیر او با عوامل نجاتی که در وجود شفاعت شونده است؛ ضمیمه و جفت می‌شود و هر دو به کمک هم، موجب خلاص شدن شخص گنہکار می‌گردد.^۲

به تعبیر راغب اصفهانی، شفاعت ضمیمه شدن به دیگری (شفیع) است تا او را یاری نماید زیرا خود به تنهایی در رسیدن به هدف ناتوان و نیازمند فردی برتر است.^۳ در واقع، دو معنا برای واژه شفاعت بیان شده است، یکی همان معنای جفت شدن است، و معنای دوم، طلب و درخواست کمک از غیر می‌باشد.^۴

۱. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۰۱.

۲. جعفر، سبحانی، همان، ص ۲.

۳. ابوالقاسم الراغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، چاپ چهارم، قم، نشر کیمیا، ۱۴۲۵ هـ ص ۴۵۷.

۴. ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرّم، ابن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، ج ۸، قم، نشر ادب الحوزه،

۱۴۰۵ هـ ق، ص ۱۸۳.

بر این اساس شفاعت می‌تواند معنای تقویت کردن و نیرو بخشیدن به فرد ضعیف و نیازمند باشد. به عقیده علامه طباطبایی (ره)، شخصی که متوسل به شفیع می‌شود؛ نیروی خود را با نیروی شفیع گره می‌زند و در نتیجه آن را دو چندان نموده و به آن چه می‌خواهد نائل می‌شود. در حالی که اگر این کار را نمی‌کرد و تنها نیروی خود را به کار می‌برد، به مقصود خود نمی‌رسید.^۱

امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) در کلامی کوتاه به هر دو این معانی اشاره کرده است. ایشان می‌فرمایند: «الشَّفِيعُ جَنَاحُ الطَّالِبِ» (شفاعت کننده چونان بال و پر درخواست کننده است).^۲

۱-۱-۲. تعریف شفاعت در اصطلاح:

شفاعت در اصطلاح به معنای پا درمیانی و وساطت نمودن برای دستیابی شخصی به منفعتی یا رها گشتن از ضرری می‌باشد.^۳ و در اصطلاح دینی عبارت است از قراردادن واسطه بین خود و خدا برای روا شدن حاجت، یا اجابت دعا، یا شفای مریض و به طور کلی برآورده شدن هر حاجت و نیاز دنیوی و یا اخروی.^۴

شفاعت اولیای خدا برای گناهکاران در جهان آخرت بدان معنا است که عزیزان الهی، به دلیل قرب و موقعیتی که در پیشگاه خداوند دارند، (البته به اذن خدا و تحت ضوابط خاصی که جنبه کلی دارد نه فردی) می‌توانند برای مجرم‌ها و گناهکاران واسطه شوند؛ و از طریق دعا و نیایش از خداوند بزرگ بخواهند که از تقصیر و گناه آنان درگذرد، البته شفاعت کردن و پذیرفته شدن شفاعت آنان در گرو یک رشته شرایطی است که برخی مربوط به شخص

۱. محمدحسین، طباطبائی، همان، ص ۱۵۸.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، قم، انتشارات لاهیجی، ۱۳۷۹، الحکمه ۶۳، ص ۶۳۶.

۳. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معارف، ج ۶، چاپ دوم، قم، انتشارات جوادالائمه، ۱۳۷۶، ص ۵۰۸.

۴. عبدالله محمد، وهابی‌ها را این‌گونه دیدم، میثم موسائی، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص

گنهکار، و برخی مربوط به مورد شفاعت (گناه) می‌باشد. به عبارت دیگر، شفاعت همان کمک کردن اولیاء خدا است البته با اذن الهی، به افرادی که در عین گنهکار بودن پیوند معنوی خود را با خداوند، و پیوند روحی خویش را با اولیاء خدا قطع نکرده‌اند و این ضابطه پیوسته باید محفوظ باشد.

به بیانی دیگر شفاعت یعنی یک موجود مادون که استعداد جهش و پیشرفت دارد، از موجود بالا، به صورت یک امر قانونی، استمداد و مدد طلبد، البته مدد خواه از نظر کمال روحی باید به حدی سقوط نکند که نیروی جهش و تکامل را از دست بدهد؛ و امکان تبدیل او به یک انسان پاک از میان برود.^۱ در هر حال اگر فرد به واسطه‌ای متوسل شود، عمل او را شفاعت خواهی و کار واسطه را شفاعت می‌نامند.

۱ - ۲. اقسام شفاعت:

۱ - ۲ - ۱. شفاعت تکوینی:

شفاعت در جهان آفرینش و تکوین به معنای وساطت علل و اسباب میان ذات مقدس خداوند و موجودات دیگر در تدبیر امور و تنظیم وجود و بقای آن‌ها است.^۲

بنابراین شفاعت تکوینی معنایی عام داشته و شامل تمام موجودات می‌گردد، یعنی همه مخلوقات واسطه رحمت خداوند برای انسان‌ها هستند، زمین و آسمان و کوه و دریا و باد و ... همه واسطه فیض و کمک کننده بشر برای رسیدن به مقصودش به حساب می‌آیند.^۳

به عنوان مثال هنگامی که برای رفع گرسنگی و رهایی از رنج آن، به غذا متوسل می‌شویم، آن طعام شفیع ما نام می‌گیرد. گرچه ما معمولاً در عرف در چنین مواردی که به اسباب طبیعی چنگ می‌زنیم لفظ شفاعت را به کار نمی‌بریم. علامه طباطبائی نیز معتقد است انسان هرگز درباره منافع و ضررهایی که علتشان اسباب و حوادث طبیعی باشد، به شفاعت متوسل

۱. جعفر، سبحانی، همان، ص ۳ و ۲.

۲. محمد حسین، حسینی طهرانی، معادشناسی، ج ۹، چاپ اول، قم، انتشارات حکمت، ۱۴۰۷ هـ ص ۶۵.

۳. محمد، شجاعی، تجسم عمل و شفاعت، چاپ دوم، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳، ص ۱۲.